



Discourse Analysis of the 5th to 12th Governments: Theoretical Analysis of the Gap of Governance Discourse in the Islamic Republic of Iran's Governments

Masoud Abdolahi Ziyaedini

MA of Public Organizations Administration, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Majid Mokhtarianpour*

Assistant Professor, Public Policy and Administration Department, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 08/03/2023

Accepted: 23/05/2023

Abstract:

This research, by creating a new understanding of governance in its original concept, analyzed the discourses of the 5th to 12th governments in Iran, and the gap of governance model as a discourse of the state in the Islamic Republic of Iran. In this research, using Laclau and Mouffe's discourse analysis method, the contexts and dimensions of governance discourse on the government's logic of actions in the Islamic Republic of Iran have been studied to obtain a new understanding of the arrangement of effective forces in shaping the public sphere. As a result, in different periods after the Islamic revolution, various discourse subjects including construction, reform, justice-oriented, and moderation, eclipsed the public sphere as well as the action of the governments. But each of them has failed because of choosing heterogeneous discursive elements in the establishment of appropriate and desirable governance. As the main finding of the research, two propositions can be mentioned; first, the discourse of governance in Iran, while having a gap in its idea and contexture, is intensified by the governments as the main focus of the discourse generation, and the discourses of the post-war governments by applying the asymmetric and disproportionate principles of governance, have been far from the general policies of the Islamic Republic of Iran. Second, more than anything, the lack of discourse occurred due to the lack of transition from state to governance. The lack of a desirable model of governance and borrowing from non-domestic discourse elements is obvious in post-war governments' discourses.

Keywords: Governance, Discourse, Lack of Governance Discourse, Government, Discourse Analysis.

Corresponding Author, Email: mokhtarianpour@ut.ac.ir

Original Article

DOI: 10.22034/jipas.2023.325392.1339

Print ISSN: 2676-6256

Online ISSN: 2676-606X

تحلیل گفتمان دولت‌های سازندگی تا اعتدال: واکاوی نظری خلأ گفتمان حکمرانی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران

مسعود عبدالهی ضیال‌الدینی

کارشناس ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مجید مختاریان پور*

استادیار، گروه خط‌مشی‌گذاری و اداره امور عمومی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷



انجمن علمی مدیریت دولتی ایران

چکیده: این پژوهش درصدد است با ایجاد درک جدیدی از حکمرانی در معنای اصیل آن گفتمان دولت‌های سازندگی تا اعتدال را تحلیل کرده و خلأ الگوی حکمرانی مطلوب را به‌مثابه گفتمانی برآمده از حکومت در جمهوری اسلامی ایران واکاوی کند. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، زمینه‌ها و ابعاد گفتمان حکمرانی ناظر بر منطق عمل دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است تا فهمی نو از آرایش نیروهای مؤثر در شکل‌دهی عرصه عمومی حاصل شود. در دوره‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی، عناوین گفتمانی گوناگونی شامل سازندگی، اصلاحات، عدالت‌محوری و اعتدال‌گرایی بر عرصه عمومی و همچنین عمل دولت‌ها تأثیر گذاشته‌اند ولی هریک با انتخاب عناصر ناهمگون گفتمانی در برقراری حکمرانی متناسب و مطلوب ناکام بوده‌اند. به‌عنوان دستاورد اصلی پژوهش می‌توان به دو گزاره اشاره کرد: نخست: گفتمان حکمرانی در ایران در عین حال که دارای خلأ در ایده و بافت خود است؛ متناسب با دولت‌ها به‌عنوان کانون اصلی گفتمان‌زایی تشدید شده است و گفتمان‌های دولت‌های پس از جنگ، هریک با به‌کارگیری اصول حکمرانی ناهمگون و نامتناسب با سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران فاصله داشته‌اند. دوم: خلأ گفتمانی بیش از هر چیز به‌علت عدم گذار از وضعیت حکومت به حکمرانی بوده است. نداشتن الگوی مطلوب حکمرانی و وام‌گیری از عناصر غیر بومی گفتمانی در گفتمان‌های دولت‌های پس از جنگ تحمیلی بارز است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، گفتمان، خلأ گفتمان حکمرانی، دولت، تحلیل گفتمان.

* نویسنده مسئول: mokhtarianpour@ut.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/jipas.2023.325392.1339

شاپا چاپی: ۶۲۵۶-۲۶۷۶

شاپا الکترونیک: ۲۶۷۶-۶۰۶X

مقدمه

در دولت‌های ایران پس از جنگ تحمیلی، عناوین گفتمانی گوناگونی هم‌چون سازندگی، اصلاحات، عدالت‌محوری و اعتدال بر عرصه عمومی و همچنین عمل دولت‌ها تأثیر گذاشته‌اند. با رجوع به افق‌های سیاستی جمهوری اسلامی ایران که بخش اعظمی از آن در چشم‌انداز ۲۰ساله موجود است به خوبی می‌توان دریافت که تغییر مسیر در افق‌های سیاستی ایران پس از انقلاب اسلامی، باعث تغییر معناداری در شیوه عمل دولتی به معنای واقعی خودش نشده است. این موضوع را می‌توان از آنجا پیگیری کرد که با تدوین و صدور سیاست‌های حرکت بر مبنای این افق‌های سیاستی در حوزه‌های مختلف کماکان عملی که از دستگاه‌های حاکمیتی سر می‌زند هم‌سویی معناداری با اهداف تعیین شده ندارد. با وجود این آنچه این موضوع را به مسئله‌ای اساسی بدل می‌کند به وجود آمدن شکاف میان فرایندهای تبدیل سیاست‌های کلان برگرفته از افق‌های سیاستی به راهبردهای عملیاتی است.

با گذشت زمان زیادی از تاریخ تشکیل دولت‌های گوناگون در ایران، کماکان این سؤال باقی است که چرا بخش اعظم خطمشی‌های دستگاه‌های دولتی و حکومتی خنثی، ناکارآمد و حتی دارای پیامدهای نامطلوب است؟ نمونه‌های متعددی برای شکست خطمشی در ایران می‌توان برشمرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها خطمشی جمعیتی، خطمشی فرهنگی، خطمشی صنعتی، خط-مشی کشاورزی و ... است که آمارهای رسمی مربوط به هریک از این موارد مؤید وضعیت نابسامان در این حوزه‌ها و حوزه‌های متعدد دیگر است.

این پرسش را می‌توان هم‌چون سنت‌های اخیر، با الگوهای نظری سنتی و رایج علم سیاست و حکومت پاسخ گفت که دلالت بر نوعی رابطه یک‌طرفه و ساده شده بین حکومت و مردم دارند. پاسخی که تاکنون، پژوهش‌های بسیاری درباره آن‌ها انجام شده است و آن را در ابعاد گوناگون تحلیل کرده‌اند، اما کماکان نتوانسته‌اند جوابی قانع‌کننده برای انتخاب منطقی دولت در صحنه عمل داشته باشند. همین مسئله می‌تواند نقطه عزیمتی برای تحلیلی جدید باشد. تحلیلی که با در نظر گرفتن عرصه‌های متداخل و اثرگذار در صحنه حکومت‌داری فضای جدیدی را برای پاسخ گفتن به این دست از مسائل پیش روی ما قرار می‌دهد.

درواقع توجه به این مسائل به‌طور جدی مطالعه فرایندها و همچنین اعمال حکومتی به‌عنوان وجه حاضر واقعیت دولت یا به تعبیر دیگر حکمرانی در ایران را طلب می‌کند. مفهوم حکومت با نوع نگرش به قدرت بر مبنای یک‌سویگی و سلطه بنا شده است که بر همین اساس می‌توان آن را با مفهوم حکمرانی متمایز دانست.

توجه به مسئله حکمرانی نگاهی نو درباره دولت را ارائه می‌دهد. در این نگاه، دولت خود به-عنوان بازیگری مهم و تأثیرگذار در میان سایر بازیگران و نه نقطه تمرکز قدرت در حوزه عمومی قلمداد می‌شود. این نگاه به دولت بر خلاف ایدئولوژی‌های تنگ‌نظر هم‌چون نگاه‌های نئومارکسیستی و کثرت‌گرا امکان مطالعه دولت در جهان واقع را در قالب شناخت «دولت در عمل» به دور از برداشت‌های گزینشی و اقتدارگرا ایجاد کرده است (Rosenau, 1992). سازوکارهای حکمرانی امکانی را فراهم می‌کنند که شهروندان می‌توانند حقوق و منافع خود را پیگیری و در قالب آن تضاد منافع و نظرات را به بحث بگذارند بنابراین، حکمرانی در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، دیوان‌سالار و همه فرایندهای خط‌مشی‌گذاری تا اجرا مبتنی بر مشارکت را در بر می‌گیرد (Chibambo, 2003: 7). در رویکردهای جدید به حکمرانی، ایده کنار رفتن دولت با پدید آمدن شبکه‌های حکمرانی بسیار پررنگ است که از آن تعبیر به «دولت از درون خالی شده» یا «دولت تهی» می‌شود و در آن «حکمرانی بدون دولت» معنا دارد. در این نگاه، به شیوه اداره دولت سنتی که به صورت سلسه‌مراتبی اداره می‌شود و قادر به مدیریت پیچیدگی مسائل مدرن نیست به‌عنوان یک وضعیت از دور خارج شده نگرسته می‌شود. در مقابل نگاه منتقدانه‌ای شکل گرفت که این نظریات را تعدیل کرد. در واقع این نظریات با تأکید بر اینکه نباید جایگاه دولت را به بهانه سلسه‌مراتب نادیده گرفت معتقد است دولت کماکان در مرکز حکمرانی دارای نقش است و لزومی به حذف آن نیست از این رو می‌بایست با تأکید بر ماهیت شبکه‌ای حکمرانی برای تسهیل فرایندهای خودتنظیمی حکمرانی تلاش کرد. بنابراین، به آنچه بیش از پیش در این نظریات توجه شده است مسئله ارتباط متقابل بین حکمرانی و دولت است. به طوری که دولت جزو جدایی‌ناپذیر در شبکه حکمرانی است (Lo, 2018).

در این پژوهش سعی شده است زمینه‌ها و ابعاد خلأ گفتمان حکمرانی ناظر بر منطق عمل دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بررسی شده و فهمی نو از آرایش نیروهای مؤثر در شکل‌دهی به عرصه عمومی حاصل شود. رویکرد گفتمانی به حکمرانی با توجه به انگاره‌های خط‌مشی-گذاری دولت‌های پیشین به‌عنوان چهارچوب تحلیل در پژوهش حاضر کاربرد خواهد داشت.

پیشینه نظری

در معنای رایج، حکمرانی بر گذار از حکومت یعنی «وضع قوانین و قواعد از بالا به پایین با هدف تنظیم و کنترل رفتار افراد و سازمان‌ها به شکل ساختاریافته» به سمت حکمرانی تعریف شده است که تلاش می‌کند طوری عمل کند که «سیستم به‌صورت خودتنظیم و مستقل به اهداف و نتایج مدنظر دست پیدا کند» (Lyall & Tait, 2005). همچنین تمایلات و انگیزه‌های مختلف

سازمان‌های تأثیرگذار بر فرایند حکمرانی به شکل‌گیری قواعد کلی حکمرانی در سطح ملی منجر می‌شود (Lammers, 1988).

مطالعات حکمرانی صرفاً منحصر به بخش دولتی نبوده است و بخش خصوصی با استفاده از مطالعات انجام شده در این حوزه در پی ارتقای شاخص‌های عملکردی و کارایی خود بوده است به طوری که می‌توان نمایندگی و حفاظت از منافع سهامداران به وسیله هیئت‌مدیره را اساس حکمرانی سنتی در شرکت‌های تجاری دانست (Fama & Jensen, 1983: 313). همچنین پژوهش‌های حکمرانی در عرصه نهادهای غیر انتفاعی و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی به نقش هیئت‌امنا در حمایت از حقوق اعضا تأکید می‌کند (Provan, 1980).

حتی حکمرانی در عرصه مدیریت عمومی نقش برنامه‌ریزی و نظارت در بوجه‌بندی سازمان‌های دولتی را مطالعه می‌کند. این نقش زمانی اهمیت پیدا می‌کند که سازمان‌های خصوصی در ردیف کارگذاران دولت به منظور اجرای پروژه‌های دولتی قرار می‌گیرند (Hill & Lynn, 2004). از نظر بویته^۱ (۲۰۰۵) حکمرانی به دنبال ایجاد مشارکت و توانایی در بین آحاد جامعه است. در اینجا حکمرانی بر افراد درگیر در حکمرانی به مثابه ابزارسازان و استفاده‌کنندگان از ابزار تأکید دارد و از رویکردهای کنترلی و ابزاری پرهیز می‌شود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶).

همچنین رویکردهای انتقادی به مدیریت دولتی نوین، امکان ظهور دیدگاه جدید در زمینه خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی را رقم زده است به طوری که با انتقاد از ایده‌های صرفاً «بازارگرا» که با تکیه بر خصوصی‌سازی و برون‌سپاری در همه شئون دولت را به حاشیه می‌رانند، حکمرانی را حاصل مشارکت و همکاری همه بازیگران از جمله دولت به عنوان تنظیم‌گر اصلی تعاملات بین بازیگران می‌دانند (Peters & Bianchi, 2020).

گذار از حکومت به حکمرانی دو فرایند زیربنایی را شامل می‌شود: اول افزایش ورود بازیگران خارج از دولت (بخش‌های غیر انتفاعی، خصوصی و داوطلب) به فرایند مدیریت عمومی و اداره دولت است

و دوم پیچیده‌تر و چندبعدی شدن ساختار خود دولت و زیر نفوذ قرار گرفتن به وسیله نهادهای داخلی و بین‌المللی (Thompson, 2005).

در قیاس با پارادایم سنتی، پارادایم حکمرانی به صورت گسترده‌ای رویکردی چندذینفعی و چندسطحی را اتخاذ کرده است. در نگاه جدید و سازنده حکومت با وضعیت پویا و تنوع بازیگران

1. Boyte

بازتعریف شده است و مفهوم حکمرانی شبکه‌ای برای توضیح و حل مسائل عمومی و پر کردن خلأهای الگوهای سنتی اداره دولت ذیل این نگاه توسعه یافته است (Larsson, 2019).

تا به حال تعاریف و نظریات متعددی را در زمینه حکمرانی محققان ارائه کرده‌اند و هریک از نظریه‌پردازان با توجه به سطح و موضوع تحلیل، طبقه‌بندی‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند، اما آنچه بیش از هر چیز خود را در بررسی این نظریات نشان می‌دهد دو نگرش ساختاری با تأکید بر نقش نهادها و سازمان‌ها و نگرش گفتمانی با تأکید بر نگاه فراساختاری است که در ادامه ذیل این دو نگرش این نظریات را بررسی می‌کنیم:

حکمرانی به مثابه ساختار: برخی حکمرانی را فرایندها و ساختارهایی تعریف می‌کنند که به وسیله آن افراد قانون، تصمیم‌سازی و مشارکت در قدرت را تنظیم می‌کنند (Folke et al., 2005). اشکال مختلف و متنوعی برای حکمرانی ذکر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به حکمرانی مشترک، حکمرانی مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب، اقتصاد سیاسی جدید و حکمرانی شبکه‌ای اشاره کرد. همه این مفاهیم دارای این فصل مشترک هستند که تعاریف کلاسیک لیبرال از دولت غیر واقعی بوده و دولت صرفاً برآمده از انتخاب مردم برای ارائه خدمات عمومی نیست، بلکه در شرایط پیچیده فعلی شبکه حکمرانی نزدیک به واقعیت بوده تا جایی که برخی از محققان حکمرانی را چیزی جز شبکه نمی‌دانند (Klijn, 2008). حکمرانی شبکه‌ای نتیجه تعاملاتی است که در آن شهروندان آگاه و سازمان‌های اجتماعی برای انتقال اطلاعات مرتبط با اهداف اجتماعی به منظور اتخاذ تصمیمات مطلوب به سازمان‌ها کمک می‌کنند (Mature, 2004).

محققان حوزه حکمرانی از مفهوم حکمرانی شبکه‌ای برای توصیف روابط غیر رسمی و نیمه-رسمی استفاده می‌کنند که جایگزین روابط سلسله‌مراتبی و رسمی شده است.

در حوزه علوم سیاسی، به حکمرانی شبکه‌ای در نسبت با شکست دولت در زمینه اداره با روش سلسله‌مراتبی و قدرت متمرکز توجه شده است. محققان علوم سیاسی از حکمرانی شبکه‌ای به-مثابه سازوکاری یاد می‌کنند که با تجمیع منابع دولتی و خصوصی تعاملات مبتنی بر اطمینان و قواعدی را رقم می‌زنند که مشارکت‌کنندگان در آن توافق داشته باشند (Laranja, 2012). همچنین از طرف دیگر تحلیل‌گران حوزه علوم سیاسی سازوکارهای برقراری شفافیت، پاسخ‌گویی و دموکراسی در شبکه‌ها (Aars & Fimreite, 2005) را دنبال کرده و از طرف دیگر به زمینه‌ها و پیامدهای نابرابری قدرت در شبکه‌ها (VanBortel & Mullins, 2009) توجه می‌کنند. حکمرانی شبکه‌ای نتیجه ارتباطات بازیگران از گروه‌های مختلف است و این تعاملات ساختاری بازیگران در شبکه‌ها توجه زیادی را در علوم اجتماعی به خود معطوف کرده است. تخصصی‌گرایی،

فردگرایی و فناوری اطلاعات موجب تسریع این روند رو به رشد حکمرانی می‌شوند همچنین تجمیع دانش، منابع و امکانات بازیگران و ذینفعان باعث تقویت قوه ارائه راه‌حل برای مشکلات در زمینه اداره دولت و حکومت است (Frederickson, 2005: 284).

به عقیده بورزل حکمرانی شبکه‌ای در ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از اوضاع پیچیده و همچنین ایجاد سرمایه‌های اجتماعی مؤثر است. در اینجا مفاهیم «تسهیم منافع مشترک»، «برقراری و هماهنگی ارتباطات مطلوب»، «تقویت اعتماد»، «تعاملات غیر رسمی میان نهادها» و «مذاکرات تعاملی» از اهمیت بالایی برخوردار هستند (Börzel, 1998: 263) درحقیقت حکمرانی شبکه‌ای، فرایند اداره دولت است که دیگر به‌طور متمرکز در دولت انجام نمی‌شود.

در حکمرانی شبکه‌ای خط‌مشی‌گذاری حاصل تعامل در اداره به‌وسیله بازیگران حوزه‌های مختلف است. برخی از نویسندگان، حکمرانی شبکه‌ای را به‌عنوان «شکلی از اتحاد میان‌سازمانی که در آن بازیگران سیاستی مرتبط و برخوردار از رویه‌های مشترک در پی تسهیم منافع مشترک و توسعه فرهنگ اعتماد هستند» تعریف می‌کنند. اسپرنسن و تورفینگ^۱ (۲۰۰۷)، حکمرانی شبکه‌ای را «ارتباطات افقی پایدار» بازیگران متصل به یکدیگر تعریف می‌کنند که از طریق تعامل و خودتنظیمی در محقق شدن اهداف عمومی سهیم هستند.

همچنین کلجین و کورت^۲ (۲۰۱۱)، بیان می‌کنند که حکمرانی شبکه‌ای در صورتی به‌طور مؤثر عمل می‌کند که کارکرد شبکه‌ها مناسب است. همچنین برخی از پژوهش‌ها نیز بر رابطه همبستگی مستقیم میان فعالیت‌های مدیریتی و پیامدهای مطلوب در شبکه تأکید کرده‌اند.

پژوهش‌های متنوعی که در حوزه مدیریت شبکه حکمرانی انجام شده‌است تأکید دارد با وجود استقلال و خودکنترلی بازیگران دولت به چه طریقی می‌تواند مدیریت شبکه را به‌نحو احسن انجام دهد؟ در پاسخ به این سؤال برخی از صاحب‌نظران چارچوب‌هایی برای ارزیابی شبکه‌های کارآمد ارائه کرده‌اند و برخی دیگر ساختار شبکه و ایفای نقش‌های مدیریتی را مهم دانسته‌اند.

در حکمرانی به‌مثابه ساختار، نگرش به سمت نهادها و ساختارهایی است که حکمرانی با آن‌ها اعمال می‌شود و سعی می‌شود با توجه به ابزارهای موجود و همچنین کنترل ساختارهای در حال رشد و دگرگونی پدیده‌ها تحلیل شوند. حال آنکه این نگاه ساختارگرا برای درک پیچیدگی و روابط بین بازیگران کفایت نمی‌کند و می‌بایست برای درک بهتر به سمت نگاهی فراساختاری و پویا حرکت کرد.

1. Sprensen & Torfing
2. Klijn & Kort

حکمرانی به‌مثابه گفتمان: نوع‌شناسی فوق درباره حکمرانی بر تأثیر ساختارها و نهادها تأکید داشتند. یکی از مؤلفه‌های مهم مدیریت در حکمرانی شبکه‌ای یافتن ابزارهایی برای هماهنگی میان بازیگران است که از نظر آن‌ها قابل پذیرش باشد نه لزوماً بهترین و پیشرفته‌ترین ابزارها (Klijin and Teisman, 1997). یکی از این ابزارها، مفهوم فراحکمرانی است. مدتی است که مفهومی با عنوان «فراحکمرانی» توسعه پیدا کرده است که بر اهمیت نقش دولت در شبکه حکمرانی و تأثیرگذاری به‌صورت غیر مستقیم و مستقیم بر بازیگران مستقل شبکه تأکید می‌کند (Peters, 2006). جسوپ^۱ (۲۰۱۱)، در نگرش خود شیوه فراحکمرانی را مطرح می‌کند. فراحکمرانی مستلزم سازماندهی مجدد مدل‌های مختلف حکمرانی است. موضوعات کلیدی در این شیوه عبارتند از: چگونگی سازگاری با سایر عاملان و چگونگی سازگاری با اجزای درون خود. با توجه به تکثرگرایی، سلسله‌مراتب و پیچیدگی شبکه فراحکمرانی، ساختاری را طلب می‌کند که بتواند شبکه‌ها، بازار و سلسله‌مراتب را برای دستیابی به هدف ترکیب کند. در این بین حکومت نقش بسیار مهمی در فراحکمرانی بازی می‌کند از جمله تغییر در قواعد اداره دولت، مقررات‌زدایی و مهیا کردن شرایط برای بازآفرینی دولت که نسبت به باقی نقش‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است (Jessop, 2011).

فرض بر این است که اگر بخواهیم حکمرانی را همان‌طور که در نظریات فراحکمرانی بدان اشاره شد به سوی نگرش فراساختاری ببریم باید ساختارهایی را کنترل کنیم که گرایش به رشد دارند. ایده جایگزین این است که حکمرانی برون‌دادی پویا از بازیگران اجتماعی و سیاسی است و در این صورت اگر تغییر مدنظر است باید عوامل خروجی‌های پویا مدنظر قرار بگیرند. این دید با فراتر رفتن از دید ساختارگرایان، ابعادی جدیدی از حکمرانی را روشن می‌کند که در فرایند ساختارگرایی دارای ابعاد مهم است. فوکو^۲ (۱۹۸۹)، با تحلیل پساساختاری از حکمرانی مفهومی جدید و در عین حال بسیار پیچیده از حکمرانی ارائه داد. فوکو با قرار دادن مفهوم «قدرت» در مرکز نظریات خود مفهوم پسامدرن حکمرانی را به تصویر کشید. برای درک بهتر از مفهوم پسامدرن حکمرانی می‌بایست کلیه مؤلفه‌های حکمرانی از حیث گفتمانی بررسی شوند چرا که درک صحیح از مفاهیم فوکو با توجه به روابط پیچیده آن‌ها با یکدیگر نیازمند شناخت عمیق هر یک در کنار دیگری است. فوکو در کتاب دیرینه‌شناسی، دانش گفتمان را مجموعه‌ای از احکام می‌داند که در شرایط ویژه‌ای ایجاد می‌شوند. او در این رابطه می‌گوید «تا زمانی که مجموعه‌ای

1. Jessop
2. Foucault

از احکام به صورت بندی گفتمانی تعلق داشته باشند آن را گفتمان می نامیم. گفتمان از تعدادی از احکام تشکیل شده است که می توان برای آن ها مجموعه ای از شرایط وجودی تعریف کرد».

بحث از پارادایم های حکمرانی در واقع بحث از پویایی و پیچیدگی تصمیم گیری در حوزه عمومی است و قابلیت فهم تحولات مهمی را که در دیدگاه ها، باورها و ارزش های حاکم بر ذهن سیاست گذاران در بلندمدت رخ می دهد در قالب گفتمان حکمرانی فراهم می کند (Gjaltema et al., 2020).

تغییر گفتمان حکمرانی صرفاً حاصل تطور در نظریات علمی نیست، بلکه فرایندی جامعه-شناختی است و بیشتر از نظریه پردازی در ساحت علم، حاصل تغییر رفتار بازیگران و منابع قدرت موجود در شبکه است (Peters, 2019). ممکن است یک گفتمان حکمرانی به منظور ظهور تغییرات گسترده و نارسایی هایش در موقعیت ضعف و تهدید قرار بگیرد؛ گرایش به به کار گرفتن ابزارهای جدید سیاستی یا شکست سیاست های فعلی در مواجهه با مسائل جدید نیز نقش بسزایی در گذار گفتمانی و شکست گفتمان ها ایفا می کند. در واقع گذار گفتمانی شامل مراحل شامل انباشت نارسایی ها و شکست سیاست های فعلی و به کارگیری ابزارهای جدید است که تغییر منابع قدرت را امکان پذیر کرده و در نهایت رقابت گسترده ای میان گفتمان های رقیب به وجود می آورد. این رقابت ممکن است پا را فراتر از حدود دولت ها گذاشته و تنها هنگامی به اتمام برسد که حامیان گفتمان جدید موقعیت برتر خود را تثبیت کرده و قادر باشند به وسیله ابزارهای سیاستی و تنظیم گیری، نگرش ها و باورهای خود را نهادینه کنند. البته قابل ذکر است که هر نوع تغییر در گفتمان حکمرانی به معنای تثبیت و نهادینه سازی نخواهد بود، بلکه یادآور جابه جایی و تداوم رقابت به منظور تثبیت گفتمانی و پاسخ به شکست سیاست های فعلی است (وحدانی نیا و درودی، ۱۳۹۸).

بنابر آنچه گفته شد، با توجه به اهتمام ویژه فوکو به مسئله گذار از حکومت به حکمرانی که ذیل نگاه جدید فوکو به مقوله قدرت ساماندهی می شود؛ رویکرد گفتمانی به حکمرانی در دو لایه تحلیل گذار از حکومت به حکمرانی و لایه تحلیل گفتمان دولت ها مدنظر قرار خواهد گرفت.

پیشینه تجربی

محمودی نیا (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی سیاست ها و عملکرد دولت در جمهوری اسلامی ایران براساس الگوی حکمرانی مطلوب؛ بررسی موردی دوران هاشمی رفسنجانی، ۷۶ - ۱۳۶۸» ابتدا شاخصه های حکمرانی خوب را بررسی کرده و در نهایت به میزان سازگاری عملکرد دولت سازندگی با شاخصه های حکمرانی خوب توجه می کند. این پژوهش از آن نظر که تنها به

یک مقطع زمانی خاص تنها به صورت توصیفی توجه کرده و نگاه گفتمانی ندارد دچار کاستی است.

رحیمی عماد (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نظریه حکمرانی خوب در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، مطالعه موردی: حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲» با بهره‌گیری از نظریات حکمرانی خوب علل و ریشه‌های وقوع انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده است و با انتخاب دوره پهلوی دوم، این دوران را در نسبت با شاخص‌های حکمرانی خوب تحلیل می‌کند تا دریابد که چگونه انقلاب اسلامی شکل گرفته است همچنین او به علل عدم ثبات حکومت محمدرضا شاه به رغم اقدامات گسترده برای حفظ صدارت توجه کرده است. آنچه در این پژوهش به چشم می‌خورد صرفاً پاسخ گفتن به سؤالات پژوهش از دریچه حکمرانی خوب است و به نفس گذار به حکمرانی و همچنین گفتمان‌های حکمرانی توجهی نشده است.

امینی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی گفتمان‌های توسعه اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی» گفتمان‌های توسعه را از حیث مفهومی و اقتصادی در ایران بررسی کرده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، داده‌ها از برنامه‌های توسعه مبتنی بر نگرشی هدفمند انتخاب شده‌اند اگرچه بررسی تاریخی و گفتمانی نقطه قوت این پژوهش است، اما تمرکز بر حیطه اقتصادی نوعی تقلیل‌گرایی را تداعی می‌کند.

آنچه که باید در نهایت بدان تأکید کرد حداقلی بودن پیشینه تخصصی و تمرکز آن‌ها بر ایده گذار گفتمانی در مطالعات ایرانی است. بدین صورت که مقوله گفتمان حکمرانی به صورت آکادمیک کمتر بررسی شده و همچنین، نگاه تاریخی و گفتمانی در این زمینه کمتر وجود دارد. به همین دلیل نوآوری پژوهش پیش رو آن است که این خلأ را پوشش دهد.

یحیوی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «کالبدشکافی دولت فوکویی» و همچنین شیخ‌الاسلامی و ادیانی (۱۳۹۷) در گزارشی با عنوان «فن حکمرانی (با محوریت اندیشه فوکو)» گذار از حکومت به الگوی جدید حکمرانی را در تناسب با مفهوم «حکومت‌مندی» ذیل قواعد گفتمانی فوکو شرح داده‌اند. توجه به اینکه تأکید پژوهش‌های فوق به تبیین نظری آرا فوکو است و به رغم اتخاذ نگاه گفتمانی از تحلیل وضعیت حال حاضر مبتنی بر دیدگاه ارائه شده در مقالات باز مانده است.

وحدانی‌نیا و درودی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری عمومی متأخر؛ گذار از حکومت محوری به حکمرانی» به ویژگی الگوی سنتی حکمرانی به منزله اراده معطوف به قدرت از سوی حکومت توجه می‌کنند و بیان می‌دارند که در نهایت با افزایش چالش‌های نوظهور و بروز

مشکلات جدید، دولت‌ها مجبور به ایجاد تغییراتی در ماهیت الگوی اداره خود شده‌اند. این تغییر پارادایمی که در راستای افزایش قابلیت و ارتقای عمل دولت در طراحی و اجرای خط‌مشی‌ها است متضمن رویکردی غیرمتمرکز و شبکه‌ای به‌جای تمرکزگرایی و حکومت‌محوری است. این پژوهش مبتنی بر آرا دلوز با اتخاذ رویکردی معرفت‌شناسانه روایتگر ابعاد این تغییر پارادایمی به‌منظور شناسایی گذار از «حکومت» به «حکمرانی» است و تلاشی برای فهم و استنباط منطق متأخر حکمرانی مبتنی بر ظهور اشکال جدیدی از حکمرانی شبکه‌ای است. این پژوهش به‌رغم توجه عمیق و مناسب به مسئله گذار به الگوی حکمرانی به وضعیت حال حاضر در ایران توجه نکرده و به حیطه نظری محدود شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در این بخش ابتدا روش‌شناسی تحلیل گفتمان به‌عنوان روش این پژوهش تشریح شده است و سپس نحوه به‌کارگیری نظریه لاکلا و موف در این پژوهش و روش تحلیل داده‌ها ذیل آن توضیح داده شده است و سرانجام روش ارزیابی کیفیت داده‌ها و نتایج تحلیل گفتمان صورت گرفته ارائه خواهد شد.

گفتمان به‌مثابه روش

گفتمان به‌مثابه روش در واقع نحوه انجام پژوهشی است که امکان گونه‌شناسی گفتمان‌های حکمرانی و تبیین تخصص‌های گفتمانی و روابط هژمونیک را مدنظر قرار می‌دهد. در نظر لاکلا و موف (۲۰۱۴)، جهان اجتماعی با گفتمان معنادهی می‌شود. براساس این دیدگاه تمامی کنش‌های اجتماعی، پدیدارها و کنش‌ها درون فرایندهای گفتمان شکل می‌گیرند؛ در واقع گفتمان‌ها جهان اجتماعی را برای ما معنا می‌کنند. یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹)، گفتمان را «روشی منحصر به فرد برای فهم جهان و سخن گفتن درباره آن» معرفی می‌کنند. فرکلاف (۱۹۹۵)، گفتمان را به‌کارگیری زبان به‌عنوان یک امر اجتماعی و تحلیل گفتمان را بررسی موشکافانه کارکرد متن در بستر فرهنگی-اجتماعی تعریف می‌کند. در این پژوهش برداشتی از روش تحلیل گفتمان مدنظر خواهد بود و مبتنی بر موضوع پژوهش و در نسبت با لزوم گفتمان‌پژوهی، روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف انتخاب شده است. هدف این روش، کشف فرایندهای ساخت گفتمان‌ها است. لاکلا و موف در تحلیل گفتمان از مفاهیم زیر بهره‌برده‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۷):

- مفصل‌بندی: متشکل از عناصری است که با قرار گرفتن در فضای جدید، هویت مستقل و جدیدی را پیدا می‌کنند.
- دال مرکزی: دالی است که دیگر دال‌ها در اطراف آن حضور دارند و نقطه اصلی انجام همه دال‌ها است. مثل دموکراسی در گفتمان اصلاحات.
- دال شناور: دالی است که مدلول‌های متنوع و شناور دارد و گفتمان‌ها براساس سیستم‌های معنایی خود، مدلول خویش را به آن اتصال و دال‌های رقیب را به حاشیه می‌راند.
- دال خالی: از یک سو نماینده وضعیت آرمانی گفتمان است که گفتمان‌ها سعی در برجسته‌سازی آن دارند و از سوی دیگر بیانگر عدم توانایی گفتمان غالب در تأمین آن است. مثل عدالت به‌عنوان دال خالی گفتمان سازندگی.
- هژمونی: اگر معانی از طرف عموم برای دال‌های یک گفتمان پذیرفته شود در آن صورت آن گفتمان هژمونیک می‌شود.

نحوه به‌کارگیری نظریه لاکلا و موف در پژوهش

به‌منظور تحقق بخشیدن به اهداف مورد مطالعه در پژوهش خوانش خاصی از روش لاکلا و موف در نسبت تحلیل گفتمان‌های حکمرانی در نظر گرفته شده است از این خوانش برای تبیین و توضیح «نظم گفتمان حکمرانی» و از طرفی دیگر نظریه اجتماعی لاکلا و موف برای تعیین و تبیین تخصص‌های هژمونیک در رقابت گفتمان‌ها استفاده خواهد شد.

در این پژوهش ابتدا، با استفاده از نظریه لاکلا و موف گونه‌شناسی‌ای از گفتمان‌های ناظر بر حکمرانی در چند دهه اخیر ایران، ارائه می‌شود تا از این راه عناصر اصلی گفتمان‌ها در رابطه با موضوع طریقه اداره دولتی بررسی شود که اذهان بخش زیادی از مردم را شکل داده‌اند. از مفاهیم نظریه آن‌ها، از قبیل مفاهیمی چون دال‌های مرکزی و شناور، مفصل‌بندی، ضدیت، تخصص و هژمونی می‌توان برای تعیین مرکزیت گفتمان‌های دولت‌ها و همچنین دال‌های پیرامونی استفاده کرد که دولت‌ها بر آن تأکید داشتند. همچنین با توجه به روش تحلیل گفتمان می‌توان دال‌های پیرامونی را واکاوی کرد که ادعا دارند، اما طرد شده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها

با توجه به شرح روش پژوهش، مسیری برای انجام پژوهش حاضر با توجه به مختصات مسئله در نظر گرفته شد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- مرحله اول: استخراج داده‌ها از متون اصلی شامل سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های ارائه شده از سوی دولت و مفصل‌بندی آن‌ها به‌طور جداگانه برای هر یک از دولت‌های در دست بررسی.
- نحوه انتخاب متون در اینجا براساس راهبردهای پژوهش‌های کیفی هدفمند است از این‌رو در پژوهش حاضر، از میان متون نوشتاری یا گفتاری احصاء شده متونی که جنبه نمونه یا معرف را داشته‌اند یا بیشترین نقش را در موضوع پژوهش داشته و بیانگر وضعیت گفتمانی هر دولت بوده‌اند به‌عنوان نمونه هدفمند آماری انتخاب شده‌اند.
- مرحله دوم: تحلیل اپیزودهای معنایی و تعیین دال‌های اصلی از میان دال‌های شناور و عناصر گفتمانی و تحلیل معانی هر یک از عناصر و رسیدن به گفتمان غالب در هر یک از دولت‌ها.
- مرحله سوم: تحلیل دال‌ها در ظرف زمانی و مکانی هر یک از گفتمان‌ها و رسیدن و دستیابی به روش‌های حکمرانی در هر کدام از دولت‌ها و نمایان کردن منازعات معنایی، شناختی و دستیابی به خلأها و فاصله‌ها در حکمرانی‌های موجود.
- مرحله چهارم: ارائه مفصل‌بندی گفتمان مبتنی بر وضعیت جای‌گیری عناصر گفتمانی.

روش ارزیابی کیفیت داده‌ها و نتایج تحلیل گفتمان

مک‌لئود برای پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان پژوهشی با روش تحلیل گفتمان را از نظر کیفیت بررسی کرد راهکارهای را ارائه می‌دهد که شامل تبیین و تعیین مجموعه‌ای از ملاک‌ها و معیارها است. موارد مدنظر مک‌لئود شامل تأکید و تمرکز بر واضح بودن روش‌های استفاده شده، معتبر بودن اسناد، ارائه مدارک و شواهد کافی، مقایسه نتایج با منابع اطلاعاتی متفاوت و سودمندی علمی و تراوایی (نگرش باز محقق نسبت به بینش‌های نو) می‌شود (عابدینی، ۱۳۸۳).

یافته‌ها

گفتمان سازندگی؛ دولت هاشمی رفسنجانی (۷۶-۱۳۶۸): دولت هاشمی بر ویرانه‌های باقی‌مانده از جنگ و اقتصادی کم‌جان بنا نهاده شد. این دولت بر این باور بود که می‌بایست در طی یک دوره به‌صورت فشرده دو اقدام کلیدی؛ بازسازی خرابی‌های به‌بار آمده از جنگ و دیگری ایجاد زیربنای اصلی اقتصاد را به انجام رساند. هاشمی به‌عنوان ریاست قوه مجریه طی دو دوره وزارت خود با اهتمام خاصی این دو هدف را دنبال کرد و توانست گام‌های مهمی در این حوزه بردارد (ابوذری‌لطف، ۱۳۹۳). در جدول زیر پس از بررسی سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و خطابه-

ها این آثار به‌مثابه متن تحلیل گفتمان، تحلیل شده و دال‌های شناور استخراج شدند که به شرح زیر هستند:

جدول ۱: دال‌های استخراج شده از متون تحلیل شده دولت سازندگی

دال‌های شناور	متون تحلیل شده
<ul style="list-style-type: none"> • تحرک در سرمایه‌گذاری • رشد اقتصادی • تعدیل اقتصادی • عدالت اجتماعی • محرومیت‌زدایی • انتقاد از بزرگ شدن بدنه دولت • افزایش شرکت‌های دولتی • خصوصی‌سازی • رویکرد توسعه و رشد اقتصادی در حل مشکلات • جذب سرمایه و فناوری‌های نوین 	<p>(۱) سخنرانی منتشر نشده هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۸</p> <p>(۲) خاطرات هاشمی رفسنجانی</p> <p>(۳) مصاحبه با روزنامه جمهوری</p> <p>(۴) خطبه‌های آذر ۱۳۶۹</p> <p>(۵) سخنرانی در دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۴</p> <p>(۶) سخنرانی در جلسه ستاد توسعه و ترقی استان‌ها ۱۳۷۶</p> <p>(۷) گفتگو با کارشناسان اقتصادی ۱۳۷۵</p> <p>(۸) خطبه‌های نماز جمعه سال ۸۰</p>

تحلیل اپیزودهای معنایی در گفتمان دولت هاشمی رفسنجانی «سازندگی» و «تعدیل» را به‌عنوان دو محور اصلی خط‌مشی‌گذاری در دولت سازندگی تصور کرد که می‌توان سازندگی را به‌عنوان پربسامدترین و تأثیرگذارترین اپیزود معنایی به‌عنوان دال مرکزی در نظر گرفت که سایر دال‌های پیرامونی را حول خود سازماندهی می‌کند.

سیاست‌های حمایتی از اقشار ضعیف به‌عنوان مکمل سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دولت هاشمی به تصویب رسید که هدف این سیاست‌ها کم کردن فشار سیاست‌های تعدیل اقتصادی روی مردم بود «رشد و توسعه پایدار»، «تثبیت و تعدیل اقتصادی»، «سیاست‌های اقتصادی استوار بر برنامه»، «کاهش حجم دولت»، «آزادسازی اقتصادی»، «رقابتی کردن اقتصاد»، «ترویج صادرات»، «تک‌نرخ کردن ارز» و «تکنوکراسی» مهم‌ترین مؤلفه‌های این نگاه جدید بر الزامات اقتصادی کشور بود. پیرو همین نگاه دولت هاشمی در ابتدا سیاست «تعدیل اقتصادی» و پس از آن سیاست «تثبیت اقتصادی» را در دستور کار خود قرار داد.

با رجوع به آمار، نرخ تورم در دوران تعدیل اقتصادی بر خلاف رشد اقتصادی بهبود پیدا نکرد. در سال اول ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، نرخ تورم حدود ۱۸ درصد بود و بلافاصله در سال ۱۳۶۹ به کمتر از ۹ درصد رسید، اما در اثر اعمال سیاست‌های تعدیل اقتصاد نرخ تورم

به صورت افزایشی به ۴۹ درصد رسید تا دوران سازندگی بیشترین نرخ تورم در تاریخ اقتصاد ایران را به ثبت برساند (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

در سال ۱۳۶۹، در مسیر دستیابی به تعادل در بازار ارز و کاهش تأثیر نوسانات ارزی، سیاست‌های تجاری و ارزی کشور در راستای سیاست‌های تعدیل اقتصادی قرار گرفت که نتیجه آن به وجود آمدن سه نرخ رسمی، رقابتی و شناور ارز در کشور بود. همچنین به دنبال کاهش قیمت نفت و افزایش نرخ ارز در بازار غیر رسمی، قیمت ارز افزایش پیدا کرد و به طبع آن تورم و سایر فشارهای اقتصادی و سیاسی باعث شد تا در سال ۷۳ نرخ ارز به صورت رسمی به طور چشم‌گیری بالا رود و سیاست‌های تثبیت نرخ ارز با شکست مواجه شود (امویی، ۱۳۸۰: ۷۳).

یکی از پیامدهای مخرب برنامه تعدیل اقتصادی عدم اولویت‌دهی به بخش کشاورزی و صنعت و تقویت تکنولوژی مونتاژ در کشور بود. صنعت مونتاژ باعث شد تا مقدار شایان توجهی از ارز کشور به جای هزینه شدن در ابزارها و ماشین‌آلات کشاورزی به سوی صنایع مونتاژ سرازیر شود. از این رو در این دوره، رشد بخش‌های زیربنایی همچون کشاورزی نسبت به رشد بخش مونتاژ صنعتی یا واردات کالاهای لوکس در کنار عدم توجه به فرهنگ دینی و سنتی تقویت رفتار مصرف‌گرایی بسیار کمتر بود و به عدم ثبات اقتصادی، بیکاری و تورم افسارگسیخته منجر شد.

مفصل‌بندی: در واقع نتایج اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه با تأکیدیاتی همچون محرومیت‌زدایی و بازسازی فضای جنگ‌زده در نهایت با عناصر گفتمانی همچون خصوصی‌سازی معنا می‌شود. بررسی سیاست‌های اجرایی و همچنین آثار بر جای مانده نشان می‌دهند که دال‌های شناوری همچون عدالت اجتماعی، محرومیت‌زدایی و بازسازی فضای جنگ‌زده حول دال مرکزی سازندگی طرد شده و جای خود را به تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و گرایش به تکنوکراسی حول محور دال مرکزی سازندگی با درون‌مایه اقتصاد نئولیبرال می‌دهد.

جدول ۲: گفتمان سازندگی

دال مرکزی	دال‌های پیرامونی	دال خالی (طرد شده)
سازندگی	تعدیل اقتصادی	محرومیت‌زدایی
	خصوصی‌سازی	بازسازی فضای جنگ‌زده
	تکنوکراسی	عدالت اجتماعی

گفتمان اصلاحات؛ دولت خاتمی (۸۴-۱۳۷۶): تسلط گفتمانی دولت اصلاحات مصادف با ریاست‌جمهوری خاتمی را می‌توان با بررسی نقاط کانونی رفتار سیاسی و اقتصادی این دولت،

دوران تمرکز بر توسعه سیاسی و فرهنگی قلمداد کرد. در جدول زیر تلاش شده است سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و خطابه‌ها به مثابه متن تحلیل گفتمان تحلیل شوند که دال‌های شناور استخراج شدند و به شرح زیر هستند:

جدول ۳: دال‌های شناور موجود در متون تحلیل شده گفتمان اصلاحات

دال‌های شناور	متون تحلیل شده
<ul style="list-style-type: none"> • مردم‌سالاری دینی • دموکراسی • اصلاحات سیاسی • دموکراسی در تقابل با لیبرالیسم • حقوق شهروندی-حقوق زنان • اولویت توسعه سیاسی • تمدن‌سازی - توجه به نیازهای زمان • حفظ ارزش‌های انقلاب در پرتو آزادی • سیاست اقتصادی در تداوم سیاست‌های دولت قبل • عدالت‌خواهی • تفکر دینی و توسعه سیاسی • اصلاحات اقتصادی • تولید و سرمایه‌گذاری داخلی 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. سخنرانی در جمع مدیران خبرگزاری جمهوری اسلامی ششم مرداد ۱۳۷۷ ۲. سخنرانی در جمع زنان مسلمان نواندیش ۳. سخنرانی به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۷ ۴. سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۱۳۸۳ ۵. سخنرانی در شهادت حضرت علی (ع) ۱۳۸۰ ۶. سخنرانی در دانشگاه الازهر مصر ۱۳۸۶ ۷. مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۳۷۷ ۸. سخنرانی در سفر لبنان ۱۳۸۲

با رجوع به متن و توجه به تکرار اپیزودهای معنایی هم‌چون اصلاح شرایط اقتصادی کشور از مسیر ترمیم فضای سیاسی و بهبود روابط خارجی محوریت توسعه سیاسی خود را نمایان می‌کند. در واقع دولت اصلاحات توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی می‌دانست و ثبات‌بخشی به اقتصاد را با ابزارهای سیاسی دنبال می‌کرد، اما از نظر اقتصادی، بسیاری دولت خاتمی را دنباله‌روی دولت سازندگی می‌دانستند که بسیاری از افراد آن دوران را به خدمت‌گرفت و روش آن، خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولتی و حرکت به سمت اقتصاد آزاد بود. دولت اصلاحات همچنین تولیدکننده و سرمایه‌گذار ایرانی را مجاهد و عاشق کشور خوانده بود که این نکته با توجه به تأکیدی که در متون تحلیل شده وجود دارد از حیث گفتمانی در دست توجه است. خاتمی طی سال‌های ریاست‌جمهوری‌اش گام‌هایی را در مسیر تنوع‌سازی اقتصادی برداشت و تکیه بیشتری به تولیدات صنعتی به‌ویژه گسترش صنایع گاز و پتروشیمی از طریق

سرمایه‌گذاری خارجی کرد. اگرچه تنوع‌سازی و خروج از اقتصاد تک‌محصولی در آن سال‌ها اتفاق نیفتاد و اقتصاد همچنان وابستگی زیادی به نفت داشت، اما قدم‌هایی در مسیر تنوع‌بخشی به اقتصاد برداشته شد. همچنین تدوین تصویب و اجرای قانون شوراها و همچنین پایه‌گذاری سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان تأیید دال‌های شناوری هم‌چون حقوق شهروندی در سایه سیاست‌های توسعه سیاسی دانست.

مروری بر شاخص‌های اقتصاد کلان و دیگر شاخص‌های اقتصادی مرکز آمار نشان می‌دهد که در این دولت ضریب جینی نسبت به زمان دولت سازندگی در دولت اصلاحات افزایش پیدا کرد و نرخ بیکاری نیز دو رقمی ماند (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۶۴). همچنین اصلاح‌طلبان در دفاع از خود و توجیه مردم‌سالاری دینی و جذب بخش‌های میانه جامعه موفقیتی نداشتند و تنها بخشی از نخبگان فرهنگی و اقتصادی، روشن‌فکران، دانشگاهیان به آرمان‌های اصلاح‌طلبان اعتنا داشتند که در نهایت به پراکنده شدن و تقویت شکل‌گیری طبقه نخبه و عام منجر شد (حسینی‌زاده و اردستانی، ۱۳۹۶).

مفصل‌بندی: آنچه از عملکرد دولت اصلاحات گرفته شده است شرح دقیقی از مفهوم مردم‌سالاری دینی نیست و این ابهام در بسیاری از رفتارهای سیاسی و فرهنگی وی و دولت‌مردان دولت خاتمی وجود دارد. که به‌رغم تأکیدات موجود در متون، در فضای عمل دولتی به دال خالی بدل شده همچنان که با توجه به آمار و سیاست‌های اتخاذ شده دال‌های شناور عدالت‌خواهی، حفظ ارزش‌های انقلاب در پرتو آزادی، تولید و سرمایه‌گذاری داخلی طرد شده و در نهایت دولت اصلاحات با دال‌های پیرامونی توسعه سیاسی، اصلاحات و توسعه اقتصادی حول محور دموکراسی به‌عنوان دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شود.

جدول ۴: گفتمان اصلاحات

دال مرکزی	دال‌های پیرامونی	دال خالی (طرد شده)
سازندگی	توسعه سیاسی	عدالت‌خواهی
	اصلاحات	حفظ ارزش‌های انقلاب
	توسعه اقتصادی	تولید و سرمایه‌گذاری داخلی

گفتمان عدالت‌خواه؛ دولت احمدی‌نژاد (۹۲-۱۳۸۴): با روی کار آمدن دولت نهم در تیر ۱۳۸۴، موضوع عدالت به‌عنوان موضوعی محوری در گفتمان این دولت نمایان شد. به همین دلیل، گفتمان دولت نهم را می‌توان به «عدالت‌خواه» موسوم کرد. در جدول زیر تلاش شده است سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و خطابه‌ها به‌مثابه متن تحلیل گفتمان تحلیل شده قرار گرفته و دال‌های شناور استخراج شود که به شرح زیر است:

جدول ۵: دال‌های شناور موجود در متون تحلیل شده گفتمان عدالت‌محور

نتایج	متون تحلیل شده
<ul style="list-style-type: none"> • مهرورزی • عدالت‌محوری • احیای ارزش‌های انقلابی • تعامل با جهان • تهاجم فرهنگی • رشد اقتصادی • ساده‌زیستی • دیپلماسی عزت‌آفرین • مبارزه با مفاسد اقتصادی • استکبارستیزی • پیشرفت • خدمت‌گذاری 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. مقدمه برنامه دولت نهم ۲. بخش راهبردهای کلان برنامه دولت ۳. نامه تشکر دولت نهم از حمایت‌های رهبری ۴. گفتگوی مستقیم تلویزیونی با مردم ۱۳۸۹ ۵. مقدمه برنامه پنجم توسعه ۶. نامه به آنگلا مرکل ۱۳۸۵ ۷. گفتگوی اختصاصی با یورونیوز ۱۳۸۲، ۱۳۹۰

تحلیل متون و اپیزودهای معنایی متون نشان می‌دهد که در مرکز گفتمان دولت احمدی‌نژاد عدالت به‌عنوان نقطه کانونی قرار دارد. مدیریت صالح در دو شکل مدیریت مردمی و مدیریت جهان، خدمت‌گذاری، پیشرفت و دیپلماسی شالوده‌شکن عناصر گفتمانی این دوره را تشکیل می‌دادند. گفتمان دولت احمدی‌نژاد با خوانشی واسازانه و ایجاد غیریت با گفتمان دولت‌های قبل در راستای هژمونیک شدن گفتمان خویش بهره برد و در فضای غیریت‌سازی هویت جدیدی برای گفتمان خود تعریف کرد.

توزیع عادلانه از جمله توزیع بسته‌های حمایتی و کمک‌های نقدی دولت به اقشار کم‌برخوردار، ساخت مسکن مهر برای دخالت در سوداگری بازار مسکن، بهره‌مند کردن افراد از سود شرکت‌های دولتی با نظر گرفتن سهام عدالت، سهمیه‌بندی سوخت و کمک‌های غیر مستقیم به بنگاه‌های زودبازده برای ورود به چرخه اقتصاد و همچنین رویکردهای استکبارستیزی در سطح بین‌المللی را می‌توان به‌صورت خلاصه از مجموعه سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم دانست که با عنصر گفتمانی پرکاری و پیشرفت که دائماً از سمت دولت‌مردان به مردم مخایره می‌شد گره خورده است (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳). در این دوره، ضریب جینی به‌علت استقرار نظام پرداخت یارانه و اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها وضعیت بهتری را تجربه کرد و کاهش پیدا کرد (کریمی، ۱۳۹۵).

همچنین در این دوره نوعی سوگیری منفی در فضای بین‌المللی با تأثیر عدم وجود سیاست واحد در عرصه بین‌المللی و تغییر چندباره مسئولان وزارت خارجه ایجاد شد و در نهایت به افزایش تحریم‌ها و کاهش فروش نفت در پایان دولت دهم منجر شد که نوعی عملکرد منفی در کارنامه این دولت در فضای سیاست خارجی بر جای گذاشت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳).

مفصل‌بندی: می‌توان گفت دال‌های شناور تعامل با جهان، دیپلماسی عزت‌آفرین حول دال مرکزی عدالت‌محوری را به‌عنوان نشانه اصلی دولت‌های نهم و دهم به‌عنوان دال خالی به‌حساب آورد و با توجه به سیاست‌های اجرایی و همچنین تأکیدات موجود در اپیزودهای معنایی دال‌های پیرامونی پیشرفت، خدمت‌گذاری، مهرورزی در تفاوت با عدالت‌خواهی و در پیکار با گفتمان سازندگی و اصلاحات قابل احصا است

جدول ۶: گفتمان عدالت‌محوری

دال مرکزی	دال‌های پیرامونی	دال خالی (طرد شده)
عدالت‌خواهی	پیشرفت	تعامل با جهان
	خدمت‌گذاری	دیپلماسی عزت‌آفرین
	مهرورزی	

گفتمان اعتدال؛ دولت روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲): بعد از انتخابات سال ۱۳۹۲ که در نتیجه آن روحانی انتخاب شد، محوریت گفتمان در سیاست جمهوری اسلامی بر پایه نگاه به خارج، تنش‌زدایی و واقع‌گرایی مستقر شد. استراتژی دولت روحانی را نوعی میانه‌روی و تعامل در سیاست داخلی و خارجی تشکیل می‌داد که دال خالی دولت احمدی‌نژاد بود و از همین حیث روحانی با برجسته‌سازی این نقاط فضای غیریت‌سازی هویت مستقل گفتمانی را برای خود رقم زد. روحانی در اولین اظهارات خود در تبیین گفتمان اعتدال و سیاست خارجی تصریح می‌کند: اعتدال بدون آرمان‌گرایی در کنار واقع‌گرایی امکان‌پذیر نیست (دهقانی، ۱۳۹۳).

جدول ۷: دال‌های شناور موجود در متون تحلیل شده گفتمان اعتدال‌گرایی

دال‌های شناور	متون تحلیل شده
<ul style="list-style-type: none"> • دیپلماسی تنش‌زدا • اعتدال‌گرایی • تعامل‌گرایی • سیاست‌های نئولیبرال • رشد اقتصادی • توسعه برون‌زا • میانه‌روی • واقع‌گرایی و واقع‌بینی • جنگ اقتصادی • اقتصاد مقاومتی • اقتصاد درون‌زا 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. در نطق پیش از دستور، مجلس شورای اسلامی ایران ۱۳۶۸ ۲. سخنران در راهپیمایی مردم تهران ۱۳۷۸ ۳. در ملاقات با ریکاردو سسا، سفیر کشور ایتالیا، ۱۳۸۰ ۴. مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ ۵. سخنرانی در همایش بین‌المللی صنعت و تجارت مهر ۱۳۹۴ ۶. سخنرانی مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۲ ۷. یادداشت در روزنامه واشنگتن پست شهریور ۱۳۹۲ ۸. گفتگویی تلویزیونی مرداد ۱۳۹۵ ۹. همایش رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور تیر ۱۳۹۷ ۱۰. مراسم گرامی‌داشت روز صنعت دفاعی مرداد ۱۳۹۸ ۱۱. سخنرانی در جلسه هئیت دولت خرداد ۱۴۰۰

همچنین مطالعه بستر تاریخی منجر به انتخاب روحانی حاوی اپیزودهای معنادار و حائز اهمیت است. در آن برهه، وزن مطالبات اقتصادی به مراتب از وزن مطالبات سیاسی بیشتر بود و روحانی می‌بایست در عرصه اقتصادی بسیار قدرتمند ظاهر می‌شد.

هسته مرکزی سیاست اقتصادی روحانی راه‌حل اصلی تمام مشکلات را در گروهی برطرف کردن تحریم‌ها از طریق دیپلماسی می‌دانست و از طرفی به‌طور هم‌زمان دیگر مشکلات موجود در نظام بانکی و اقتصادی از قبیل نرخ تورم، عدم به سرانجام رسیدن طرح مسکن اجتماعی و افزایش شدید نرخ بیکاری شدت پیدا کرد و مردم، با وجود اتخاذ سیاست‌هایی هم‌چون ارائه تسهیلات خودرو و توزیع بسته‌های حمایتی تغییر محسوسی را در عرصه اقتصاد ملاحظه نکردند (نبوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۹-۲۳۲). به‌طوری که موسی غنی‌نژاد در مصاحبه با دنیای اقتصاد تصریح می‌کند: «به‌نظر می‌آید شعارها و وعده‌های روحانی صادقانه مطرح شد، اما در عمل این تا حدود زیادی ابتر ماند. از نظر اقتصادی نیز آقای روحانی از همان ابتدا در وعده‌های انتخاباتی خود اعلام کرد که اقتصاد باید متکی به بخش خصوصی باشد به‌نحوی که بخش دولتی کنار رفته و سیاست‌های ناظر به بازار رقابتی و بازار آزاد اعمال شود، اما در عمل و با گذشت زمان این اقدامات اقتصادی به‌طور جدی تداوم پیدا نکرد» (غنی‌نژاد، ۱۳۹۷)

از منظر علت‌یابی، گفتمان اقتصاد مقاومتی دولت روحانی را باید نتیجه خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۸ دانست. درحقیقت خروج آمریکا و سیاست فشار حداکثری ترامپ به شیفت گفتمان اقتصادی از سویه گفتمان اقتصاد نئولیبرال به گفتمان مقاومتی در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ منجر شد. به این ترتیب تحریم‌های آمریکا همراه با خروج از برجام موجب شد تا ایران دچار کسری بودجه شدیدی شود و در پی آن نرخ تورم نیز افزایش پیدا کند. راهبرد اصلی ایران برای مقابله با این شرایط توسعه اقتصادی درون‌زا بود و دولت ایران را بر آن داشت که در زمینه اقتصادی خودکفا شود و وابستگی خود را به اقتصاد تک‌محصولی وابسته به قیمت‌های جهانی نفت قطع کند، اما با توجه به فرصت کم و همه‌گیری کرونا در آن برهه این دولت در بازیابی سیاست‌های خود در قالب گفتمان اقتصاد مقاومتی ناموفق بود (درویش و همکاران، ۱۴۰۱).

مفصل‌بندی: با نگاهی به آرای منتقدان و همچنین سیاست‌های اتخاذ شده در این دولت به- نظر می‌رسد که روحانی در وعده‌های خود به‌ویژه وعده‌های اقتصادی ناکام مانده است و دال‌های شناوری رشد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، واقع‌گرایی و اقتصاد درون‌زا به نسبت وضعیت ایجاد شده در دولت روحانی طرد شده و گفتمان مانده حول محور دال مرکزی اعتدال‌گرایی صرفاً با همراهی دال‌های پیرامونی توسعه برون‌زا، دیپلماسی تنش‌زدا، اقتصاد نئولیبرال به‌کار خود در دولت دوازدهم پایان داد.

جدول ۸: گفتمان اعتدال‌گرا

دال مرکزی	دال‌های پیرامونی	دال خالی (طرد شده)
اعتدال‌گرایی	توسعه برون‌زا	اقتصاد مقاومتی
	سیاست‌های نئولیبرال	رشد اقتصادی
	دیپلماسی تنش‌زدا	اقتصاد درون‌زا

خلا الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی - ایرانی

واکاوی گفتمان‌های حکمرانی ناظر به عمل دولت‌های پس از جنگ تحمیلی با توجه به اینکه گفتمان دولت‌های پس از جنگ هرکدام ناشی از نگاهی به شرایط و ساختارهای غربی بوده است تاکنون، نتوانستند از عهده اداره دولت مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام برآیند از همین حیث می‌توان ادعا کرد که گفتمان‌های اداره حکمرانی پس از جنگ هرکدام با انتخاب عناصر ناهمگون گفتمانی در تلاش برای برقراری حکمرانی متناسب و مطلوب ناکام بوده‌اند.

خلاً گفتمانی بیش از هر چیز به علت عدم گذار از وضعیت حکومت به حکمرانی بوده است. ایده حکومت برنامه‌ریز (به عنوان یک کارشناس فنی و نخبه) همواره در برنامه‌های توسعه و ما-به‌ازای آن در گفتمان‌های دولت‌هایی وجود داشته است که پس از جنگ تحمیلی بر سر کار آمده‌اند.

مدل گفتمانی حکمرانی به این دلیل برگزیده شده است که دولت، برخلاف اصرار مخالفان، هنوز بازیگر کلیدی جامعه و بیان‌کننده مسلط منافع جمعی است. در واقع می‌توان گفت با ورود به هزاره سوم، نقش دولت در حال کاهش نیست، بلکه در حال تغییر است؛ تغییر از نقشی بر پایه قدرت تمرکزگرا به نقشی مبتنی بر همیاری و تعامل میان منابع بخش خصوصی و بخش عمومی.

نظام سیاسی حاکم بر ایران پس از انقلاب اسلامی، یک نظام اسلامی است و هریک از گفتمان‌های دولت‌های نام‌برده درون یک گفتمان اصلی قرار می‌گیرند که تمامی شرایط حاکم بر آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. گفتمان اصیل انقلاب اسلامی برگرفته از فرهنگ دیرینه مردم ایران است و این امر تمامی شرایط گفتمانی هریک از دولت‌ها را در خط‌مشی‌گذاری‌های فرهنگی و سیاسی متأثر می‌کند. پس در اینجا ما برای رسیدن به یک الگوی مناسب حکمرانی باید درون یک گفتمان اصلی و مرکزی‌تر شاخص‌ها را بررسی کنیم و دقیقاً با همین استدلال می‌توان به دلایل ضعف کارکردی بسیاری از دولت‌ها در ایران پی برد. الگوهای گره‌برداری شده از غرب بدون در نظر گرفتن شرایط خاص جامعه ایران بر قامت حکومت ایران نمی‌تواند مناسب باشد و شکست بسیاری از گفتمان‌هایی که درون دولت‌ها بررسی شد به دلیل عدم تناسب آن با این ساختار می‌تواند تأییدی بر این ادعا باشد.

خلاً الگوی مطلوب حکمرانی و وام‌گیری از عناصر غیر بومی گفتمانی در گفتمان‌های دولت-های پس از انقلاب بارز است. دال‌های پیرامونی سرمایه‌داری، خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی حول دال مرکزی سازندگی، دال پیرامونی توسعه سیاسی حول دال مرکزی مردم‌سالاری و جهانی‌گرایی ذیل دال مرکزی اعتدال از این جمله هستند.

گذار از حکومت به حکمرانی بر بستری از شرایط اجتماعی و فرهنگی اتفاق می‌افتد. هریک از دولت‌هایی که در این پژوهش بررسی شدند دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی هستند که انطباق کامل آن‌ها با شاخص‌های مذکور امری بسیار پیچیده و دشوار است، اما تحلیل گفتمانی و بررسی گفتمان غالب در هر کدام می‌تواند تا حدی انطباق یا به عکس، فاصله داشتن از شاخص‌های یک حکمرانی را برای ما نمایان کند.

بررسی الگوهای مختلف حکمرانی و تطبیق آن با حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مؤید این واقعیت باشد که گفتمان هریک از دولت‌ها درون یک ساختار اصلی شکل می‌گیرد. ساختاری نسبتاً سخت که از طرفی الگوهای غربی را به‌طور کامل بر نمی‌تابد و از طرف دیگر، از سوی مرکز قدرت و نیز از بطن توده مردم پس زده می‌شود. در این نگاه حکمرانی همانند ماشینی در نظر گرفته می‌شود که با استانداردها و مقررات مدیریت می‌شود این مدل با شیوه سنتی بروکراسی سازگاری داشته و محوریت اصلی آن را کنترل تشکیل می‌دهد، عدم پاسخ‌گویی، انعطاف و همچنین روابط سلسله‌مراتبی از مشخصه‌های اصلی این شیوه به‌شمار می‌روند (میتزبرگ، ۱۳۸۷).

برای پی بردن به جایگاه دولت درون این ساختار ناگزیر به وام‌گیری از نظریه فوکو به‌مثابه یک نظریه پسا‌ساختاری درباره نوع حکمرانی هستیم. بر پایه اندیشه فوکو در حکمرانی پسامدرن نوعی هنجارسازی وجود دارد که در آن روش‌های جدید قدرت با کمک هنجارها با تمام ابعاد زندگی ارتباط برقرار می‌کند. برخلاف مفهوم پیشین حکمرانی که اعمال آن از بالا به پایین، متمرکز و افراط‌آمیز بود؛ حکمرانی پسامدرن از پایین به بالا و مبتنی بر مشارکت است. درحقیقت، فوکو با طرح مفهوم قدرت درصدد توصیف نحوه حکومت کردن حکومت‌ها بر افعال اشخاص و به اصطلاح اعمال حکمرانی بر می‌آید (دریفوس، ۱۳۸۲: ۴۴).

بنابراین، هریک از شاخص‌های مشارکت شهروندان، دولت‌محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را باید درون روابط قدرت در ساختار خاص سیاسی ایران درباره هریک از دولت‌ها ارزیابی کرد.

از نظر فوکو (۱۳۷۸-۱۳۸۴)، قدرت نه‌تنها فضای سیاسی، بلکه تمام تعاملات انسان‌ها را در بر می‌گیرد. درواقع قدرت، مانند دستگاه عصبی در کلیه اجزای جامعه گسترده است. قدرت را نباید حکمرانی دولت، قانون یا قوای تفکیکی دانست، بلکه این‌ها فقط شکل‌های نهایی قدرت هستند. از این‌رو افراد جامعه در وضعیت دوگانه‌ای قرار دارند که «اعمال قدرت» و «در اقتدار قدرت بودن» است و دیگر حکمرانی صرفاً جنبه فیزیکی نداشته و آثار آن تا ظریف‌ترین و دورترین زوایای زندگی آدمی و روح و روان او نفوذ کرده و اعمال می‌شود.

به عقیده فوکو «قرار گرفتن و عیان شدن انسان‌ها در شبکه‌ای از قدرت و دانش آن‌ها را به سوژه و ابژه دانش و قدرت تبدیل می‌کند. بنا به مفهوم نوینی که وی از قدرت ارائه می‌کند از مفهوم کلاسیک قدرت که صرفاً در حوزه سیاسی و به‌صورت عیان و سرکوب‌گر نمودار شده بود فراتر رفته و آن را مولد و خلاق می‌پندارد که در تمامی حوزه‌ها پدیدار شده، بدون ماهیت خاصی

بوده و به اشکال مختلف در جامعه بروز و ظهور پیدا می‌کند که با دانش، ارتباط ناگسستگی دارد» (نوابخش، ۱۳۸۸).

با استناد به این بخش از نظریه فوکو می‌توان گفت که حکمرانی به مثابه یک گفتمان اداره دولت در ایران (و در هریک از دولت‌های آن) نمی‌تواند از مناسبات قدرت درون یک گفتمان اصلی‌تر و بومی بازگشت کرده و دست به خلق عناصر ناهمگون جدیدی درون گفتمان و خود بزند.

بنابراین، حکمرانی در عرصه کنونی به نوعی سیال و متکثر است و در آن بازی قدرت با حداقل سلطه و با حداکثر آزادی انجام می‌شود.

حکمرانی در عصر حاضر، قدرت غالب در قالب روابط میان قدرت‌ها است که نوعاً متکثر و سیال است و در آن بازی قدرت با حداکثر آزادی و حداقل سلطه انجام می‌شود. با توجه به اینکه قدرت در تفکر فوکو به‌عنوان محور اصلی قلمداد می‌شود؛ چگونگی پیگیری یک قدرت بر قدرت دیگر مسئله بسیار مهمی است که او با ارائه مفاهیم گفتمان به آن توجه کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه گفتمان دولت‌های پس از جنگ تحمیلی، هرکدام ناشی از نگاه خاص به شرایط و ساختارها بوده و عمدتاً از گزاره‌های غیر بومی وام گرفته است تاکنون، گفتمان‌های دولتی کارنامه موفق‌تری در اداره دولت مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام نداشته‌اند. از همین حیث می‌توان ادعا کرد که گفتمان‌های اداره حکمرانی پس از جنگ هرکدام با انتخاب عناصر ناهمگون گفتمانی در تلاش برای برقراری حکمرانی متناسب و مطلوب ناکام بوده‌اند. این در حالی است که در سال‌های اخیر، عناوین گفتمانی گوناگونی هم‌چون سازندگی، عدالت‌محوری، اصلاحات و اعتدال‌گرایی با هدف اجرای کارآمد طرح‌های کلان دولتی و پیشینه‌کردن منافع ملی، عرصه عمومی و همچنین عمل دولت را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

با استناد به نتایج این پژوهش می‌توان اظهار کرد که با تحلیل اپیزودهای معنایی هر گفتمان به این نتیجه می‌رسیم که هرکدام از دولت‌ها با ایجاد فضای هژمونیک و همچنین وام‌گیری از الگوهای غیر بومی سعی در نفی گفتمان‌های رقیب و اداره دولت طبق اهداف نامتناسب با ایده‌های اصیل حکومتی داشتند.

حکمرانی در کشورهای مختلف جایگاه خود را نسبت به سیاست حکومت پیدا می‌کند ولی نگاهی به وضعیت نه‌چندان مطلوب کشور ما در این زمینه، ما را در مقابل این واقعیت قرار می‌دهد که موانع زیادی وجود دارد که بررسی آن بیانگر نقش عمده «گفتمان اداره دولت» در این

بحران‌ها است. در واقع اداره دولت نقطه اصلی پیوستگی میان حکمرانی و فرهنگ سیاسی است. حکمرانی در بستر یک نظام سیاسی تحقق پیدا می‌کند هر چند در معنادهی به آن بخش خصوصی و مدنی شرکت دارند. به عبارت دیگر حکمرانی در نسبت با نظام سیاسی و دولت هویت پیدا می‌کند از این رو باید بر نظام سیاسی به عنوان بستر تحقق حکمرانی در هر جامعه‌ای تأکید کرد. کوتاه کلام آنکه «هرگونه تلاش برای ایجاد و استقرار حکمرانی مطلوب در یک جامعه به شکلی درون‌زا زمانی که بسترهای ایدئولوژیکی، فرهنگی و زیرساخت‌های لازم فراهم نیست همانند الگوهای حکمرانی تجربه شده در دولت‌های پس از انقلاب، نمی‌تواند پیشرفتی در کیفیت اداره دولت پدید آورد».

از آنجایی که حکمرانی گذار به یک وضعیت پایدار موضوع بسیار مهمی نه تنها در ایران که در جهان است؛ ایران نیز همانند دیگر کشورها نیازمند حکمرانی مطلوب متناسب با ساختارها است. پژوهش‌های گسترده به منظور کشف موانع و خلأهای موجود در برنامه‌ریزی دولتی می‌توانند راهگشای دولت‌های بعدی باشند از این رو به پیشنهادهایی برای بهبود این روند در زیر اشاره شده است:

- ۱- ارائه مدل‌های حکمرانی متناسب با ساختارهای دولتی و نهادهای مردمی.
- ۲- ارائه فرایند بومی خط‌مشی‌گذاری به منظور پیشبرد حکمرانی اسلامی - ایرانی.
- ۳- واکاوی زمینه‌های عدم موفقیت گفتمان دولت‌های پس از انقلاب و دلایل افتراق آن‌ها از سیاست‌های اصلی.
- ۴- طرح تحلیل گفتمان انتقادی به نسبت گفتمان‌های حکمرانی در نسبت با گفتمان اصیل اسلامی - ایرانی.

مآخذ

- ابوذری لطف، مرضیه (۱۳۹۳). تحلیل توصیفی گفتمان‌های دولت‌های پس از انقلاب اسلامی؛ در حوزه توسعه اقتصادی (۹۲-۱۳۷۵). *مطالعات سیاسی*، سال ۷، شماره ۲۶، ۱۳۷-۱۶۳.
- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۰). *اقتصاد ایران پس از انقلاب*. تهران: گام نو.
- امینی، یوسف (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی گفتمان‌های توسعه اقتصادی و عوامل موثر بر آن در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی*. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی.
- پرتوی، اصغر، مرادنزادسرای، سولماز (۱۳۹۳). *تاثیرات نفت بر امنیت اقتصادی ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰*. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال ۱۱، شماره ۴۰، ۱-۱۷.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی، شفیعی اردستانی، رضا (۱۳۹۶). *تحلیل دوره‌های زمانی گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر رهبری امام خمینی، پژوهشنامه متین*، سال ۱۹، شماره ۷۷، ۲۱-۴۳.
- دانائی فرد، حسن، حسینی، سیدیعقوب، فانی، علی اصغر (۱۳۹۲). *ظرفیت خط مشی گذاری عمومی: کلید توسعه یافتگی ملی*. تهران: صفار
- دریغوس، هوبرت. *وجود و قدرت هایدگر و فوکو* (۱۳۸۲). ترجمه: حسینعلی شیدان شید. تهران: نامه فرهنگ، سال ۴۴، شماره ۴۹، ۴۳-۵۱.
- درویش، صفی الله، رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم. (۱۴۰۱). *تحلیل گفتمان اقتصادی دولت روحانی: از اقتصاد تولیبرال تا اقتصاد مقاومتی*. *سیاست متعالیه*، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۲۳۶-۲۱۹.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). *دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا*. تهران: آگاه
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۳). *گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. *سیاست خارجی*، سال ۲۸، شماره ۱، ۱-۳۹.
- رحیمی، علیرضا، کتابی، محمود (۱۳۹۳). *گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید*. *مطالعات راهبردی*، سال ۱۷، شماره ۶۶، ۳۱-۶۶.
- رحیمی عماد، سیدرضا (۱۳۹۱). *بررسی نظریه حکمرانی خوب در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران*، مطالعه موردی: حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- شیخ الاسلامی، خالد، ادیانی، سید یونس (۱۳۹۷). *فن حکمرانی (۲) (با محوریت اندیشه فوکو)*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- عابدینی، یاسمین (۱۳۸۳). *مروری بر مبانی فلسفی، ویژگی‌ها، روش‌های پژوهش کیفی*. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۳۵، شماره ۲، ۱۵۹-۱۸۵.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۷). *نسبت لیبرالیسم و اقتصاد آزاد*. تهران: *دنیای اقتصاد*، درسی در: <https://www.donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news->

فوکو، میشل (۱۳۷۸). *اراده به دانستن*. ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
 فوکو، میشل (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*. ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
 فوکو، میشل (۱۳۸۴). *حکومت‌مندی*. ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش. تهران: گفتگو، شماره ۴۴، ۳۲-۷.

کروزیه، میشل (۱۳۹۳). *دولت مدرن دولت فروتن*، ترجمه مجید وحید. تهران: رخداندو.
 کریمی، مصطفی (۱۳۹۵). *سیاست‌های رفاهی و اقتصادی از بازرگان تا روحانی: دولت‌ها و رفاه*. جامعه پویا، سال ۸، شماره ۲، ۸-۱۲.

محمودی‌نیا، امین (۱۳۹۲). *بررسی سیاست‌ها و عملکرد دولت در جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگو حکمرانی مطلوب: بررسی موردی دوران هاشمی رفسنجانی*، ۷۶ - ۱۳۶۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی (ره).

مومنی، فرشاد (۱۳۸۶). *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*. تهران: نقش و نگار.
 مینتزرگ، هنری (۱۳۸۷). *سازماندهی: پنج الگوی کارساز*. مترجمان، حسین وزیری‌سابقی، ابوالحسن فقیهی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری
 نبوی، مرتضی، شقاقی، وحید، دانش‌جعفری، داود (۱۳۹۵). *جریان‌شناسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی (اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد اسلامی)*. تهران: نورعلم.
 نوابخش، مهرداد، کریمی، فاروق (۱۳۸۸). «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو»، *مطالعات سیاسی*، سال اول، پیش شماره ۳.

وحدانی‌نیا، ولی‌اله، درودی، مسعود. (۱۳۹۸). *سیاست‌گذاری عمومی متأخر؛ گذار از «حکومت‌محوری» به «حکمرانی»*. *دولت پژوهی*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۱-۱۷۰.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
 یحیوی، حمید. (۱۳۹۴). *کالبدشناسی فوکویی دولت*. *دولت پژوهی*، سال اول، شماره ۳، ۱۱۱-۱۴۶.
 یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی.

Aars, J. & Fimreite, A. L. (2005). Local government and governance in Norway: stretched accountability in network politics. *Scandinavian Political Studies*, 28, 239-256.

Börzel, T. A. (1998). Organizing babylon- on the different conceptions of policy networks. *Public Administration*, 76(2), 253-273.

Boyte, H. C. (2005). Reframing democracy: Governance, civic agency, and politics. *Public administration review*, 65(5), 536-546.

Chibambo, M. L. (2003). Records management: the key to good governance and sustainable development. In *XVII Biennial Eastern and Southern Africa Regional of Branch of the International Council on Archives (ESARBICA) General Conference on Archives, Society and Good Governance*. Mozambique Maputo (Vol. 3)

- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*, New York: Longman.
- Fama, E. F. & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Folke, C., Hahn, T., Olsson, P., & Norberg, J. (2005). Adaptive governance of social-ecological systems. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 30, 441-473.
- Foucault, M. (1989). *The archaeology of knowledge*. Translator: A. Sheridan, London: Routledge.
- Frederickson, H. G. (2005). *Whatever happened to public administration? Governance, governance everywhere*. In: Ewan Ferlie, Laurence E. Lynn Jr., and Christopher Pollitt. (Eds.). *The Oxford handbook of public management*. pp. 282-304. UK: Oxford University Press.
- Gjaltema, J., Biesbroek, R., & Termeer, K. (2020). From government to governance... to meta-governance: a systematic literature review. *Public Management Review*, 22(12), 1760-1780.
- Hill, C. J. & Lynn, L. E. (2004). Is hierarchical governance in decline? Evidence from empirical research. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 15(2), 173-195.
- Jessop, Bob. (2011). Metagovernance. In: Mark Bevir. *The sage handbook of governance*. pp. 106-123. USA: Sage.
- Klijin, E. H. & Teisman, G. R. (1997). Strategies and games in networks. In: W. J. M. Kickert, E. H. Klijin, & J. F. Koppenjan (Eds.), *managing complex networks. Strategies for the public sector*, pp. 98–118. USA: Sage
- Klijin, E. H. (2008). Governance and governance networks in Europe: An assessment of ten years of research on the theme. *Public Management Review*, 10(4), 505-525.
- Kort, M. & Klijin, E. H. (2011). Public–private partnerships in urban regeneration projects: organizational form or managerial capacity? *Public Administration Review*, 71(4), 618-626.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (2014). *Hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics*. UK: Verso.
- Lammers, C. J. (1988). The interorganizational control of an occupied country. *Administrative Science Quarterly*, 33, 438-457.
- Laranja, M. (2012). Network governance of innovation policies: The Technological Plan in Portugal. *Science and Public Policy*, 39(5), 655-668.
- Larsson, O. (2019). A theoretical framework for analyzing institutionalized domination in network governance arrangements. *Critical Policy Studies*, 13(1), 81-100.

- Lo, C. (2018). Going from Government to Governance. *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance*, 1-5.
- Lyall, C. J. Tait. (2005). Shifting policy debates and the implications for governance. In: C. Lyall and J. Tait (Eds.). *New modes of governance, developing an integrated approach to science, technology, risk and the environment*. Pp. 1-17. England: Ashgate Publishing.
- McLeod, J. (2011). Qualitative research in counselling and psychotherapy. *Qualitative research in counselling and psychotherapy*, ۱۶۷-۱۷۰.
- Maturo, A. (2004). Network governance as a response to risk society dilemmas: a proposal from the sociology of health. *Topoi*, 23(2), 195-202
- Peters, B. G. (2006). *The meta-governance of policy networks: steering at a distance, but still steering*. Working paper, 78/2007. Madrid: Universidad Autónoma de Madrid.
- Peters, B. G. (2019). Governing in the Shadows. *Journal of Chinese Governance*, 4(2), 108-122.
- Peters, B. G. Pierre J. (2000). *Governance, politics and the state*. Basingstoke: Macmillan.
- Peters, B. G., & Bianchi, C. (2020). Patronage and the public service: A dynamic performance governance perspective. *Enabling Collaborative Governance through Systems Modeling Methods: Public Policy Design and Implementation*, 215-236.
- Provan, K. G. (1980). Board power and organizational effectiveness among human service agencies. *Academy of Management Journal*, 23(2), 221-236.
- Rosenau, J. N. Czempiel, E. O. & Smith, S. (Eds.). (1992). *Governance without government: order and change in world politics* (No. 20). Cambridge University Press.
- Schout, A. & Jordan, A. (2005). Coordinated European governance: Self-organizing or centrally steered? *Public Administration*, 83(1), 201-220.
- Sprensen, E. & Torfing, J. (2007). Introduction governance network research: Towards a second generation. In: *Theories of democratic network governance*. pp. 1-21. London: Palgrave Macmillan.
- Thompson, N. (2005). Inter-institutional relations in the governance of England's national parks: A governmentality perspective. *Journal of Rural Studies*, 21(3), 323-334.
- Van Bortel, G. & Mullins, D. (2009). Critical perspectives on network governance in urban regeneration, community involvement and integration. *Journal of Housing and the Built Environment*, 24(2), 203-219.